

# Compare and Contrast the Maladaptive Schemas of Fashion and Beauty of the Younger and Older Generations and their Role in Family Conflicts.

Reza Sharifinia<sup>1</sup>, Hadi Bahrami<sup>2\*</sup>, Noor Ali Farrokhi<sup>3</sup>

## Abstract

**Purpose:** The Aim of this study was to compare and contrast the maladaptive schemas of fashion and beauty of the younger and older generations and their role in family conflicts.

**Methodology:** The method of this study was causal-comparative. The statistical population consisted of all men and women aged 55-60 and boys and girls aged 16-20 in District 2 of Tehran, 15000 from whom 350 were selected by random sampling. In this study, the questionnaire of fashion and aesthetic schemas related to age and gender (Bahrami, Farrokhi and Sharifinia, 2019) was used. The statistical method of this research was factor analysis in the form of two-way variance analysis and the interactive effect between them.

**Results:** The findings showed differences in aesthetic schemas between the ages of 20-16 and 60-55. The results also showed that there was a significant difference between the aesthetic schemas in people aged 16- and 55-60 living in Tehran in both sexes, and there was a significant difference between the two sexes in all aspects except for the beauty criteria, which led to many have been differences in families ( $P < 0/05$ ).

**Conclusion:** In general, it can be concluded that most of the differences between today's young generation and the previous generation are the difference in their schemas. Schemas that may be inconsistent due to the impact of social media, satellite, the Internet and peers may cause major family disputes.

**Keywords:** Maladaptive schemas, Young generation, Old generation, family conflicts



---

1 . PhD student Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (first author)

2 . Professor of Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author) prof.bahrami114@gmail.com

3. Associate Professor Assistance of Department of evaluating and Measurement, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

تاریخ پذیرش: 1399/03/28

تاریخ دریافت: 1398/12/11

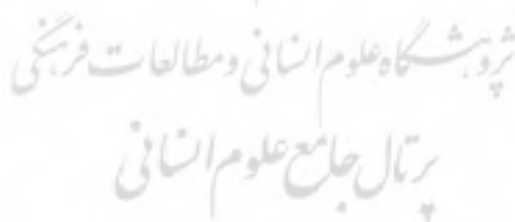
## مقایسه طرحواره‌های ناسازگار مد و زیبایی نسل جوان و نسل گذشته و نقش آن در تعارضات خانوادگی

رضا شریفی نیا<sup>۱</sup>، هادی بهرامی<sup>۲\*</sup>، نورعلی فرخی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر مقایسه طرحواره‌های ناسازگار مد و زیبایی نسل جوان و نسل گذشته و نقش آن در تعارضات خانوادگی بود.  
**روش:** روش این پژوهش از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمامی مردان و زنان 60 - 55 و پسران و دختران 20-16 ساله منطقه 2 شهر تهران به تعداد 15000 نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تصادفی 350 نفر انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه طرحواره‌های مد و زیبایی‌شناختی مرتبط با سن و جنسیت (بهرامی، فرخی و شریفی نیا، 1397) استفاده گردید. روش آماری این پژوهش تحلیل عاملی به صورت تحلیل واریانس دوره‌ای و اثر تعاملی بین آنها بود.  
**یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از تفاوت طرحواره‌های زیبایی‌شناختی در نسل‌های 20 - 16 و 60 - 55 سال داشت. همچنین نتایج نشان داد بین طرحواره‌های زیبایی‌شناختی نسل‌های 20 - 16 و 60 - 55 سال شهر تهران در هر دو جنس تفاوت معناداری وجود دارد و بین هر دو جنس به جز معیارهای زیبایی نیز تفاوت معناداری وجود داشت که همین امر منجر به اختلافات بسیاری در خانواده‌ها شده است ( $P < 0/05$ ).  
**نتایج:** براساس یافته‌های پژوهش بیشتر اختلافات نسل جوان امروز و نسل گذشته تفاوت در طرحواره‌های آنان است. طرحواره‌هایی که ممکن است به دلیل تأثیر شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، اینترنت، همسالان و آثار همدوره به شکل ناسازگاری شکل گرفته باشند و باعث اختلافات بزرگی در خانواده گردد.

**واژگان کلیدی:** طرحواره‌های ناسازگار، نسل جوان، نسل گذشته، تعارضات خانوادگی



<sup>1</sup> دانشجوی دکتری رشته روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده اول)

[reza.sharifinia64@gmail.com](mailto:reza.sharifinia64@gmail.com)

<sup>2</sup> استاد گروه روانشناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[prof.bahrami114@gmail.com](mailto:prof.bahrami114@gmail.com)

<sup>3</sup> دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

[farrokhinoorali@yahoo.com](mailto:farrokhinoorali@yahoo.com)

## مقدمه

تضاد بین والدین و فرزندان و نسل گذشته و امروز ریشه در فرهنگ و ارزشهای جامعه و نیز باورها و رفتار پدر و مادر در دوران کودکی و نوجوانی، دارد. اختلاف بین والدین و فرزندان یا همان فاصله بین نسلها موضوعی مهم و مورد توجه روان‌شناسان است؛ زیرا از گذشته تاکنون همواره این دو نسل با یکدیگر در تضاد و تعارض بوده‌اند (کانتی، باچار، گالیلی و همکاران<sup>۱</sup>، 2019). پدر و مادرها به این دلیل نمی‌توانند با فرزندان نوجوان خود روابط صمیمانه برقرار کنند که آنان را با زمان نوجوانی خود مقایسه می‌کنند و انتظار دارند مانند فرزندان آن زمان رفتار کنند، حال آنکه خودشان نیز در آن ایام با والدین خود در تضاد بودند و همین مشکل را داشتند. از جمله مواردی که در اغلب اوقات باعث کشمکش بین والدین و فرزندان و گاه بین زوجین در خانواده می‌شود مسأله مد و زیبایی است که فرهنگ یک جامعه نقش به‌سزایی در آن دارد (لیندا و مانکیو<sup>۲</sup>، 2018).

مطابق با نظر مارگارت مید<sup>۳</sup>، انسان صرفاً به صورت خنثی عناصر فرهنگی را دریافت نمی‌کند، بلکه آنها را در درون خود تغییر می‌دهد. پس میان فرهنگ واقعی و فرهنگ ساخته شده تفاوت وجود دارد و همین موجب می‌شود که معیارهای زیبایی‌شناسی نیز بر این اساس شکل گیرد و افراد این معیارها را در خود درونی کرده و طرحواره‌های زیبایی را در ذهن خود شکل دهند (عسگری خانقاه، مهرید، 1394). هم‌چنان که ادراک در افراد به لحاظ قابلیت و استعدادها مختلف است، ادراک زیبایی نیز در افراد مختلف گوناگون است. همگان از زیبا و زیبایی درک واحدی ندارند و اگر داشته باشند، نسبت آنها یکسان نیست و طرحواره آنان در سنین مختلف و در دو جنس تحت تأثیر همین تجربیات است (دیباچی و رجبی، 1396).

عوامل بسیاری ممکن است باعث به وجود آمدن این اختلافات در باورها و ارزش‌های دو نسل و دوجنس پیرامون مسأله مدگرایی و زیبایی گردد. یکی از این عوامل تفاوت در طرحواره‌های آنان است. که گاه این طرحواره‌ها به گونه‌ای ناسازگار شکل می‌گیرند. از دیدگاه یانگ طرحواره‌ها<sup>۴</sup> باورهای عمیق و مستحکم فرد در مورد خود و جهان هستند و حاصل آموزه‌های سال‌های نخستین زندگی‌اند (یانگ، 1999؛ یانگ، کلاسکو، ویشار، 2003). طرحواره‌های زیبایی تأثیر عاطفی متقابلی در روابط صمیمانه افراد دارند و معیارهای آنان در انتخاب همسر و برقراری ارتباط آنها با هم بر اساس همین طرحواره‌ها صورت می‌پذیرد. اما برخی از افراد معیارهای سرسختانه‌ای برای انتخاب زیبایی بر می‌گزینند. که این می‌تواند ناشی از طرحواره معیارهای سرسختانه/عیبجویی باشد که از این باور شکل گرفته است که فرد باید برای دستیابی به معیارهای بیرونی و کمال‌گرایانه بسیار تلاش و عالی رفتار کند تا مورد سرزنش قرار نگیرند (احمدی و نصراللهی، 1397). برخی افراد نیز به دلیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، نقص و شرم، استحقاق و خودبزرگ بینی دچار خودشیفتگی شده و این معیارهای سرسختانه را به دلیل وجود این طرحواره‌ها بر می‌گزینند (ضابطی و جعفری، 1397).

روانشناسان شناختی معتقدند که طرحواره‌ها به سختی تغییر می‌کنند (شاکرمی، میرزمانی و آزادیکتا، 1398). هر فردی طرحواره‌ای خاص در مورد مد و زیبایی دارد و آن را از همان دوران کودکی و در طول زمان بر اساس حس ذاتی، تجارب یادگیری، در ذهن خود شکل می‌دهد. کودکان بر اساس این طرحواره‌ها، حس زیبایی‌شناسی را در خود پرورش می‌دهند و در بزرگسالی نیز بر اساس این طرحواره‌هایی که در ذهن خود دارند معیارهایی را برای زیبایی در نظر می‌گیرند. (یانگ و کلسکو، 1994؛ ولیربرگ و برایت<sup>۵</sup>، 2010). چیزی که در سال‌های کودکی و نوجوانی باعث تقویت طرحواره‌های زیبایی‌شناسی می‌شود مشاهده، تشویق و ترغیب بیرونی همچون دخالت بزرگسالان، معلم، والدین، مربیان، دوستان و رسانه‌های جمعی است که این مسأله بسیار حائز اهمیت می‌باشد. (داعی، 1392). خیلی از والدین مخصوصاً آنهایی که فاصله سنی بیشتری با فرزندان خود دارند، معیارهای زیبایی را که مدنظر فرزندان آنان می‌باشد را نمی‌پسندند و بالعکس. تفاوت‌های فردی بین والدین و فرزندان از نظر شناختی و هیجانی نتیجه تفاوت در نگرش‌های بین آنها است (خراسانی زاده، پورشریفی و رنجبری‌پور، 1398) و این مسأله زمانی شدت می‌گیرد که فرزندان امروزی اعم از دختران و پسران جوان به خاطر در اختیار داشتن تکنولوژی‌های ارتباطی مانند اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی با موج بزرگی از ارتباطات در دنیای امروز مواجه هستند و مدام در معرض ملاک‌ها و معیارهای جدید زیبایی در دنیای امروز قرار می‌گیرند (قادیان انارمرزی، 1398). برای همین طرحواره‌های زیبایی افراد مدام دستخوش تغییر و تحول است و شکاف نسلی عمیقی بین نسل‌های مختلف به وجود می‌آورد (صادقیان، راستی و ناظم، 1389). این طرحواره‌های موجود نه تنها در بین افراد مختلف و نسل‌ها متفاوت است بلکه در بین دو جنس نیز این

1 . Canetti L, Bachar E, Galili, Weissstub E, De Noor AK, Shelve AY

2. Linda van Loon, Monique

3 . Margaret Mid

4 . Schema

5 .Vlierberghe LV, Braet C

تفاوت‌ها دیده می‌شود. مردان و زنان هر یک طرحواره‌های زیبایی مخصوص به جنسیت خود را شکل می‌دهند و معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند که با معیارهای جنس مخالف بسیار متفاوت است و همین تفاوت بین طرحواره‌های دو جنس از زیبایی نیز گاهی باعث بروز عدم تفاهم بین آنها می‌شود (رجایی، 1393).

مسئله احساسات و ادراکات شخصی در مورد مد و زیبایی به دلیل منحصر به فرد بودن، معیارهای مد و زیبایی را سلیقه‌ای می‌کند و باعث می‌شود هر شخصی طرحواره‌ای متفاوت از دیگری در ذهن خود بسازد. این تفاوت در طرحواره‌های ذهنی افراد باعث ایجاد عدم تفاهم در ادراک زیبایی اشخاص می‌شود و از آنجایی که هر نسلی از انسان آثار همدوره و حوادث و تجارب تقریباً یکسانی دارند، تا حدودی باعث شکل‌گیری طرحواره‌های مشابهی از زیبایی در یک نسل می‌شود (ساروخانی، 1398). در نتیجه ما شاهد این خواهیم بود که معیارهای زیبایی افراد در یک نسل با نسل قبل و بعد از خود متفاوت می‌شود و این تفاوت در معیارهای زیبایی در نسل‌ها خود باعث ایجاد عدم تفاهم بین دو نسل می‌شود؛ زیرا هر یک طرحواره‌های خاص خود را از زیبایی در طول زمان شکل داده‌اند (گیدنز، 2005، ترجمه موفقیان، 1398، ناصری، 1392).

گروه‌های مرجع به‌عنوان ابزاری که جوانان را در تصمیم‌گیری یاری می‌کنند، نقش مهمی در زندگی جوانان دارند. بسیاری از لباس‌هایی که جوانان می‌پوشند و بسیاری از مدها و معیارهای زیبایی در دنیای امروز الگو گرفته از ظاهر خوانندگان، بازیگران و ورزشکاران است و در این راستا نقش شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ها در ترویج ملاک‌های زیبایی بسیار حائز اهمیت است. رسانه‌ها هر روز تصویر چهره‌های زیادی از افراد با نژادهای مختلف را بر سر جوانان می‌ریزند (کبیری، منوچهری و بابازاده، 1398).

با توجه به اهمیت مدگرایی در جامعه و آثاری که ممکن است در تغییر باورها و ارزش‌های فرهنگی داشته باشد و نیز منجر به اختلافات بسیاری بین دو نسل و دو جنس در محیط خانواده گردد، این پژوهش به دنبال بررسی چگونگی شکل‌گیری طرحواره زیبایی‌شناسی و مدگرایی در افراد، مقایسه این طرحواره‌ها در دو جنس زن (دختر) و مرد (پسر) و مقایسه دو نسل گذشته و نسل جوان امروز و نیز بررسی آثار این تفاوت در خانواده‌ها می‌باشد. در این رابطه پژوهش‌ها و مطالعاتی صورت گرفته است. دانیل و جیسن (2018)، در مقاله خود نشان دادند دختران و زنانی که به طور مشخص زیبایی کمتری داشتند غمگین‌تر بودند و همین امر در رفتار آنان در محیط خانواده تاثیرگذار بود. همچنین زنان و مردان زیبا با مد روز در واقع بیش از دیگران مورد توجه معلم، مربی و اطرافیان خود قرار می‌گیرند که باعث افزایش اعتماد به نفس در آنان می‌شود.

یافته‌های فین و همکاران (2017) در پژوهش خود یک رابطه پایدار بین شخصیت و طرحواره‌های مد و زیبایی شناختی را نشان دادند. همچنین تفاوت‌های بین فردی و درون فردی در تحریک و هیجان‌های مورد علاقه، لذت و سردرگمی در پاسخ به زیبایی قابل مشاهده دیده شد. همچنین سوجانن (2016) در مطالعه خود نشان داد که طرحواره زیبانشناختی زوجین، ممکن است بر تفکر آنان تأثیر گذاشته و نسبت به همسر خویش عاطفه مثبت و منفی داشته باشند. در صورتی که همسر آنان مطابق با معیارهای زیبایی آنان نباشد، بهانه جویی و تفکر انتقادی نسب به رفتارهای همسر شروع شده که می‌تواند دلیلی بر وجود تعارضات زوجین گردد. یافته‌های پژوهش لاریسا و همکاران (2016) نیز نشان از وجود تفاوت در قضاوت و ادراک مد و زیبایی در دو نسل (جوان و میانسال) و هر دو جنس (مرد یا زن) داشت که باعث تعارضات بین والدین و فرزندان در اغلب موارد می‌شد. بر اساس مطالعه وانگ و همکاران<sup>1</sup> (2015) سطح هورمون‌های زنانه، انگیزش و ادراکات زنان نسبت به جذابیت و زیبایی صورت دیگران را تعیین می‌کند. نیکنام و خودی (1398)، در پژوهشی نشان دادند که بین ادراک زیبایی و تصویر بدن با ارزیابی تناسب، گرایش به تناسب، ارزیابی و ادراک بدنی و رضایت از بدن و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین خودپنداره و ادراک زیبایی زوجین شادکامی آنان را در زندگی زناشویی پیش بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش آزادگان (1396) نشان داد: (الف) بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به مدگرایی و جراحی زیبایی رابطه مثبت وجود دارد. (ب) بین تصویر بدنی و گرایش به جراحی زیبایی رابطه مثبت وجود دارد. (ج) بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تصویر بدنی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که سطح بالای طرحواره خودگردانی و عملکرد مستقل با سطح بالاتر گرایش به جراحی زیبایی همراه است.

یافته‌های عسگری خانقاه و مهربد (1394)، حاکی از این بود که طرحواره‌های زیبایی تنوع یافته است و افراد برای زیبا شدن دست به هر عملی می‌زنند، زیرا زیبایی تنها یک مفهوم نیست بلکه ابعادی نمادین یافته است و کنش‌های آنان راه حلی عقلانی برای فرار از داغ ننگ خوردن به شمار می‌آید. زیبایی به عنوان عاملی برای کسب منزلت اجتماعی و همچنین عامل موثر در افزایش اعتماد به نفس محسوب می‌شود. رشید و همکاران (1390) در پژوهش خود نشان دادند که در تحول زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان شهر تهران سه مرحله وجود

دارد: 1- عینیگرایی (در دوره های سنی 7 تا 9، 9 تا 11 و 11 تا 13 سال)، 2- داستان سرایی - عاطفه گرایی (در دوره سنی 13 تا 15 سال)، 3- ارزیابی - نمادگرایی (در دوره سنی 15 تا 17 سال). اطلاعات این پژوهش نشان داد توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیر زیباشناسانه با افزایش سن بهبود می یابد و این توانایی در دختران به طور معناداری بیشتر از پسران است.

### روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی مردان و زنان 60 - 55 و پسران و دختران 20 - 16 ساله منطقه 2 شهر تهران به تعداد 15000 نفر بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد 350 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه طرحواره‌های مد و زیبایی شناختی<sup>1</sup> بهرامی، فرخی و شریفی نیا (1397) بود.

این پرسشنامه شامل 120 سوال می‌باشد که توسط بهرامی، فرخی و شریفی نیا (1397) طراحی شده است و بر اساس طیف لیکرت 5 تایی (کاملاً موافق، موافق، تا حدودی، مخالف، و کاملاً مخالف) 1 تا 5 نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه از چهار بعد تهیه شده است: الف) سوالات کلی در مورد معیارهای مد و زیبایی شناسی، ب) سوالات مربوط به چهره و اعضای آن، ج) سوالات مربوط به استایل بدنی، اعضای بدن، و قد و وزن، د) سوالات مربوط به پوشاک و متعلقات. روایی این ابزار، با استفاده از روش روایی محتوایی مشخص شده و از نظرات متخصصین روانشناسی استفاده شده است. میزان پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0.89٪ به دست آمد که نشان از پایایی بالای ابزار پژوهش می‌باشد. همچنین با استفاده از مقادیر ضریب KMO، برای طرحواره‌های زیبایی شناختی و ابعاد آن از جمله معیارهای مد و زیبایی، چهره و اعضای صورت، اندام و پوشاک و متعلقات به ترتیب میزان 0.899، 0.884، 0.88، 0.805 و 0.911 به دست آمد.

### یافته های پژوهش

جدول 1. آزمون تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل جهت سنجش تفاوت طرحواره‌های مد و زیبایی نسل‌های 20 - 16 و 60 - 55 ساله

متغیر	گروه سنی	آمار توصیفی		تست لون		آزمون T مستقل	
		میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	آماره F	درجه آزادی	سطح معناداری
طرحواره‌های مد و زیبایی	16 - 20	391/66	49/31	0/00	7/96	11/73	398
	55 - 60	338/4	41/13			11/73	385/58
معیارهای زیبایی	16 - 20	76/51	12/68	0/00	18/86	11/11	398
	55 - 60	63/92	9/79			11/11	374/13
چهره و اعضای صورت	16 - 20	162/5	20/80	0/02	5/11	8/56	398
	55 - 60	145/49	18/86			8/56	394/24
اندام	16 - 20	76/93	10/47	0/02	5/21	9/45	398
	55 - 60	67/73	8/92			9/45	388/18
پوشاک و متعلقات	16 - 20	75/7	10/88	0/02	5/16	14/33	398
	55 - 60	61/25	9/21			14/33	387/41

جدول شماره 1 گویای این مطلب است که میانگین طرحواره‌های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین افراد با گروه سنی 16 الی 20 سال بیشتر از افراد با گروه سنی 55 الی 60 سال بوده و به عبارتی، افراد کم سن تر میانگین بیشتری در طرحواره‌های مد و زیبایی و ابعاد آن نسبت به افراد مسن تر کسب کرده اند. بنابراین با سطح اطمینان 95٪ بین طرحواره‌های زیبایی شناختی نسل‌های 20 - 16 و 60 - 55 ساله تفاوت معناداری وجود دارد. پس می توان گفت که فرضیه صفر رد و فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد.

جدول 2. آزمون تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل جهت سنجش تفاوت طرحواره‌های مد و زیبایی مردان (پسران) و زنان (دختران)

متغیر	جنسیت	آمار توصیفی		تست لون		آزمون T مستقل	
		میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	آماره F	درجه آزادی	سطح معناداری
طرحواره‌های مد و زیبایی	مردان (پسران)	355/96	52/66	0/19	1/71	-3/49	398
	زنان (دختران)	374/11	51/08			-3/49	397/62

0/556	398	-0/59	0/00	9/21	14/14	69/83	مردان (پسران)	معیارهای زیبایی
0/556	384/21	-0/59			11/67	70/6	زنان (دختران)	
0/001	398	-3/68	0/81	0/05	20/60	150/08	مردان (پسران)	چهره و اعضای
0/001	396/56	-3/68			21/88	157/91	زنان (دختران)	صورت
0/001	398	-5/86	0/56	0/33	9/88	69/3	مردان (پسران)	اندام
0/001	395/08	-5/86			10/76	75/36	زنان (دختران)	
0/005	398	-2/83	0/06	3/36	12/86	66/73	مردان (پسران)	پوشاک و متعلقات
0/005	394/43	-2/83			11/69	70/22	زنان (دختران)	

جدول شماره 2 گویای این مطلب است که میانگین طرحواره‌های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین مردان (پسران) کمتر از زنان (دختران) بوده و به عبارتی، زنان و یا دختران نمرات بیشتری نسبت به مردان و یا پسران کسب کرده اند. بنابراین با سطح اطمینان 95٪ بین متغیر معیارهای مد و زیبایی در مردان (پسران) و زنان (دختران) تفاوت وجود ندارد، در حالی که بین طرحواره‌های مد و زیبایی شناختی مردان (پسران) و زنان (دختران) تفاوت معناداری وجود دارد. پس می‌توان گفت که فرضیه صفر رد و فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد.

جدول 3. آزمون تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل جهت سنجش طرحواره‌های مد و زیبایی مردان و زنان 60 - 55 ساله

متغیر	جنسیت	آمار توصیفی	تست لون	آزمون T مستقل	درجه آزادی	سطح معناداری
		میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معناداری	سطح معناداری
طرحواره‌های مد	مرد	326/46	39/83	0/00	0/99	0/001
و زیبایی	زن	350/34	39/05			0/001
معیارهای زیبایی	مرد	62/22	10/47	0/43	0/51	0/014
	زن	65/61	8/79			0/014
چهره و اعضای	مرد	141/41	17/92	0/53	0/46	0/002
صورت	زن	149/58	18/99			0/002
اندام	مرد	64/61	7/83	0/79	0/37	0/001
	زن	70/85	8/89			0/001
پوشاک و متعلقات	مرد	58/21	8/73	0/06	0/79	0/001
	زن	64/29	8/69			0/001

جدول شماره 3 گویای این مطلب است که میانگین طرحواره‌های مد و ابعاد آن در بین زنان بیشتر از مردان می‌باشد، به طوری که زنان در زمینه طرحواره‌های مد و زیبایی نمرات بیشتری نسبت به مردان کسب کرده اند. بنابراین با سطح اطمینان 95٪ بین طرحواره‌های مد و زیبایی مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. پس می‌توان گفت که فرضیه صفر رد و فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌گردد.

جدول 4. آزمون تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل جهت سنجش تفاوت طرحواره‌های زیبایی شناختی پسران و دختران 20-16 ساله

متغیر	جنسیت	آمار توصیفی		تست لون		آزمون T مستقل	
		میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معناداری	آماره T	درجه آزادی
طرحواره های مد و زیبایی	پسر	385/45	47/23	0/86	0/35	-1/79	198
	دختر	397/87	50/78			-1/79	196/96
معیارهای زیبایی	پسر	77/44	13/23	0/77	0/38	1/03	198
	دختر	75/58	12/10			1/03	196/43
چهره و اعضای صورت	پسر	158/75	19/50	1/21	0/27	-2/58	198
	دختر	166/25	21/48			-2/58	196/18
اندام	پسر	73/99	9/50	1/92	0/16	-4/12	198
	دختر	79/88	10/62			-4/12	195/56
پوشاک و متعلقات	پسر	75/25	10/46	0/24	0/62	-0/58	198
	دختر	76/16	11/32			-0/58	196/78

جدول شماره 4 گویای این مطلب است که میانگین طرحواره‌های مد و زیبایی و ابعاد آن به غیر از بعد معیارهای زیبایی در بین دختران بیشتر از پسران می باشد، در حالی که پسران در زمینه معیارهای زیبایی میانگین بیشتری نسبت به دختران کسب کردند. بنابراین با سطح اطمینان 95٪ بین ابعاد چهره و اعضای صورت و نیز اندام در پسران و دختران تفاوت وجود دارد، در حالی که بین طرحواره‌های مد و زیبایی پسران و دختران تفاوت وجود ندارد. پس می توان گفت که فرضیه صفر تائید و فرضیه چهارم پژوهش رد می گردد.

جدول 5. آزمون تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل جهت سنجش تفاوت طرحواره‌های زیبایی دختران 20-16 ساله با زنان 60-55 ساله

متغیر	گروه سنی	آمار توصیفی		تست لون		آزمون T مستقل	
		میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معناداری	آماره T	درجه آزادی
طرحواره های مد و زیبایی	دختران	397/87	50/78	10/02	0/00	7/41	198
	زنان	350/34	39/05			7/41	185/76
معیارهای زیبایی	دختران	75/58	12/10	11/23	0/00	6/66	198
	زنان	65/61	8/79			6/66	180/74
چهره و اعضای صورت	دختران	166/25	21/48	4/50	0/03	5/81	198
	زنان	149/58	18/99			5/81	195/07
اندام	دختران	79/88	10/62	6/76	0/01	6/51	198
	زنان	70/85	8/89			6/51	192/00
پوشاک و متعلقات	دختران	76/16	11/32	4/93	0/02	8/31	198
	زنان	64/29	8/69			8/31	185/60

جدول شماره 5 گویای این مطلب است که میانگین طرحواره‌های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین دختران بیشتر از زنان می باشد، به طوری که زنان 55 الی 60 ساله در زمینه طرحواره‌های مد و زیبایی و ابعاد آن نمرات کمتری نسبت به دختران 16 الی 20 سال کسب کرده اند. بنابراین با سطح اطمینان 95٪ بین طرحواره‌های مد و زیبایی دختران 20-16 ساله با زنان 60-55 ساله تفاوت معناداری وجود دارد. پس می توان گفت که فرضیه صفر رد و فرضیه پنجم پژوهش تائید می گردد.

جدول 6. آزمون تفاوت میانگین بین دو گروه مستقل جهت سنجش تفاوت طرحواره‌های زیبایی پسران 20-16 ساله با مردان 60-55 ساله

متغیر	گروه سنی	آمار توصیفی		تست لون		آزمون T مستقل	
		میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معناداری	آماره T	درجه آزادی
پسران		385/45	47/23	4/79	0/03	9/54	198

0/001	192/52	9/54		39/83	326/46	مردان	طرحواره های مد و زیبایی
0/001	198	9/01	0/00	9/33	13/23	77/44	معیارهای زیبایی
0/001	188/11	9/01		10/47	62/22	مردان	پسران
0/001	198	6/54	0/05	3/62	19/50	158/75	چهره و اعضای صورت
0/001	196/59	6/54		17/92	141/41	مردان	پسران
0/001	198	7/62	0/02	5/26	9/50	73/99	اندام
0/001	191/08	7/62		7/83	64/61	مردان	پسران
0/001	198	12/50	0/045	4/07	10/46	75/25	پوشاک و متعلقات
0/001	191/89	12/50		8/73	58/21	مردان	پسران

جدول شماره 6 گویای این مطلب است که میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین پسران بیشتر از مردان می باشد، به طوری که مردان 55 الی 60 ساله در زمینه طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن نمرات کمتری نسبت به پسران 16 الی 20 ساله کسب کرده اند. بنابراین با سطح اطمینان 95٪ بین طرحواره های مد و زیبایی پسران 16-20 ساله با مردان 55-60 ساله تفاوت معناداری وجود دارد. پس می توان گفت که فرضیه صفر رد و فرضیه ششم پژوهش تأیید می گردد.

### بحث و نتیجه گیری

با نظر به فرضیه اول پژوهش که به بررسی تفاوت بین طرحواره های مد و زیبایی نسل های 20 - 16 و 60 - 55 ساله می پردازد، می توان گفت که بین طرحواره های مد و زیبایی نسل های 20 - 16 و 60 - 55 ساله تفاوت معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). به طوری که میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین افراد با گروه سنی 16 الی 20 سال بیشتر از افراد با گروه سنی 55 الی 60 سال بوده و به عبارتی، افراد کم سن تر میانگین بیشتری در طرحواره های مد و زیبایی ابعاد آن نسبت به افراد مسن تر کسب کرده اند. می توان این گونه نتیجه گیری کرد که طرحواره های مد و زیبایی که در برگرفته معیارهای کلی زیبایی، زیبایی چهره و اعضای صورت، زیبایی مربوط به اندام و نیز تمایل به استفاده از پوشاک و متعلقات مربوطه منطبق با مد روز است، در بین افراد با گروه های سنی دارای تفاوت معنی داری است و اصولاً این طرحواره در بین افراد با سنین پائین تر بیشتر از افراد مسن تر می باشد.

با نظر به فرضیه دوم پژوهش که به بررسی تفاوت بین طرحواره های مد و زیبایی مردان (پسران) و زنان (دختران) می پردازد، می توان گفت که بین طرحواره های مد و زیبایی شناختی مردان (پسران) و زنان (دختران) تفاوت معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). به طوری که میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین مردان (پسران) کمتر از زنان (دختران) بوده و به عبارتی، زنان و یا دختران نمرات بیشتری نسبت به مردان و یا پسران کسب کرده اند. همچنین از لحاظ بعد معیارهای زیبایی بین مردان (پسران) و زنان (دختران) تفاوت معنی داری وجود ندارد. می توان این گونه نتیجه گیری کرد که زنان یا دختران اصولاً به دلیل کمیت و کیفیت بالا در خصوص مسائل احساسی نسبت به آقایان و این که در مقایسه با آقایان موجوداتی ظریفتری هستند، سطح علاقه به مسائل مد و زیبایی در بین آنان به مراتب بیشتر از مردان و یا پسران است. در حقیقت برای زنان و یا دختران، ملاک های زیبا بودن یک ارزش اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود و چون زیبا بودن و علاقه به زیبایی در زندگی و دنیای مطلوب آنان قرار دارد، بنابراین نسبت به آقایان نمرات بیشتری را در این خصوص کسب می کنند. از سوی دیگر به دلیل آن که زیبایی چهره، اندام و پوشش یک مزیت در روابط اجتماعی در حال حاضر در جامعه امروزی محسوب می شود، بنابراین زنان و دختران از این مزیت با توجه به ماهیت خود استفاده می کنند تا سطح اعتماد به نفس و جایگاه خود را در اجتماع ارتقاء دهند تا بتوانند همپای آقایان در اجتماع حرکت کنند. همچنین مشخص شد که بعد معیارهای زیبایی بین مردان (پسران) و زنان (دختران) تفاوت معنی داری ندارد. علت این امر آن است که معیارهای کلی زیبایی در برگرفته اثرات معیارهای کلی زیبایی بر جنبه های مختلف زندگی می باشد که نظرات در این خصوص با یکدیگر تفاوت چندانی ندارند.

با نظر به فرضیه سوم پژوهش که به بررسی تفاوت بین طرحواره های مد و زیبایی مردان و زنان 60 - 55 ساله می پردازد، می توان گفت که بین طرحواره های مد و زیبایی مردان و زنان 60 - 55 ساله تفاوت معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). به طوری که میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین زنان بیشتر از مردان می باشد و زنان در زمینه طرحواره های مد و زیبایی نمرات بیشتری نسبت به مردان کسب کرده اند. می توان این گونه نتیجه گیری کرد که حتی در سنین بالا نیز از حیث مسائل مد و زیبایی در بین مردان و زنان تفاوت



معنی داری وجود دارد. همچنین اختلاف مردان و زنان در خصوص طرحواره های مد و زیبایی حتی در سنین بالا نیز مشهود و قابل بررسی است. در حقیقت می توان گفت که اکثر مردان و زنان در طول دوران زندگی خود دیدگاهی کاملاً متفاوت نسبت به طرحواره های مد و زیبایی دارند و این دیدگاه به مرور زمان تغییر چندانی نمی کند و این تفاوت همچنان معنادار و قابل درک است.

با نظر به فرضیه چهارم پژوهش که به بررسی تفاوت بین طرحواره های مد و زیبایی پسران و دختران 16-20 - 16 ساله می پردازد، می توان گفت که بین طرحواره های مد و زیبایی پسران و دختران 16-20 - 16 ساله تفاوت معناداری وجود ندارد ( $P>0/05$ ). به طوری که میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن به غیر از بعد معیارهای زیبایی در بین دختران بیشتر از پسران می باشد، در حالی که پسران در زمینه معیارهای زیبایی میانگین بیشتری نسبت به دختران کسب کردند. می توان این گونه نتیجه گیری کرد که در حالت کلی دختران و پسران از حیث طرحواره های مد و زیبایی با یکدیگر اختلاف نظر چندانی ندارند و تنها اختلاف نظر آنها در خصوص ابعاد چهره و اعضای صورت و نیز اندام می باشد.

با نظر به فرضیه پنجم پژوهش که به بررسی تفاوت بین طرحواره های مد و زیبایی دختران 16-20 - 16 ساله با زنان 55-60 - 55 ساله می پردازد، می توان گفت که بین طرحواره های زیبایی دختران 16-20 - 16 ساله با زنان 55-60 - 55 ساله تفاوت معناداری وجود دارد ( $P<0/05$ ). به طوری که میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین دختران بیشتر از زنان می باشد. در واقع زنان 55 الی 60 ساله در زمینه طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن نمرات کمتری نسبت به دختران 16 الی 20 سال کسب کرده اند. می توان این گونه نتیجه گیری کرد که درست است که دختران نسبت به پسران و نیز زنان نسبت به مردان میانگین بیشتری در زمینه طرحواره های مد و زیبایی کسب کرده اند، اما دختران میانگین بیشتری نسبت به زنان به دست آورده اند و نشان می دهد که در بین این چهار گروه شرکت کننده در پژوهش حاضر، دختران بیشترین میانگین را از آن خود نموده اند.

با نظر به فرضیه ششم پژوهش که به بررسی تفاوت بین طرحواره های مد و زیبایی 16-20 - 16 ساله با مردان 55-60 - 55 ساله می پردازد، می توان گفت که بین پسران 16-20 - 16 ساله با مردان 55-60 - 55 ساله تفاوت معناداری وجود دارد ( $P<0/05$ ). میانگین طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن در بین پسران بیشتر از مردان می باشد، به عبارتی، مردان 55 الی 60 ساله در زمینه طرحواره های مد و زیبایی و ابعاد آن نمرات کمتری نسبت به پسران 16 الی 20 سال کسب کرده اند. می توان این گونه نتیجه گیری کرد که حتی در بین گروه مذکر نیز تفاوت معنی داری وجود دارد و پسران نمرات بیشتری در خصوص معیارهای زیبایی، چهره و اعضای صورت، اندام و پوشاک و متعلقات نسبت به مردان کسب کرده اند.

به طور کلی میتوان چنین نتیجه گرفت که بیشتر اختلافات نسل جوان امروز و نسل گذشته تفاوت در طرحواره های آنان است. طرحواره هایی که ممکن است به دلیل تأثیر شبکه های اجتماعی، ماهواره، اینترنت، همسالان و آثار همدوره به شکل ناسازگاری شکل گرفته باشند و باعث اختلافات بزرگی در خانواده گردد. این اختلافات می تواند در اختلاف سلیقه زنان و مردان نیز خود را نشان دهد. بسیاری از مراجعین به مراکز مشاوره به دلیل همین اختلاف سلیقه ها در زوجین و اختلاف در باورهای فکری والدین و فرزندان پیرامون مباحث مدگرایی و تمایل به جراحی های زیبایی به هر قیمت می باشد. مدها و معیارهای زیبایی ناهنجار که فرهنگ و ارزش های یک جامعه را به خطر می اندازد.

از گذشته تاکنون همواره این دو نسل با یکدیگر در تضاد و تعارض بوده اند. با بررسی علل این مساله در می یابیم که بسیاری از والدین به تصور اینکه نیاز فرزندان شان صرفاً در تهیه لباس زیبا و تغذیه مناسب خلاصه می شود، از ایجاد جو صمیمانه و ارتباط دوستانه با آنان خودداری می کنند، به همین دلیل دائماً بین آنها بر سر مسائل مختلف، اختلاف به وجود می آید. این اختلاف سلیقه که در بسیاری از خانواده ها به چشم می خورد، اغلب به کشمکش و تعارض بین والدین و فرزندان منجر می شود. چون پدر و مادر سعی می کنند خواسته فرزند خود را نادیده بگیرند و عقیده خود را به او تحمیل کنند. در مقابل نوجوانان هم به هر طریقی مقاومت می کنند برای آنکه دوست دارد به خاطر دل خودشان زندگی کنند و سلیقه، اعتقادات و ارزش های خود را به کار ببندد.

به همین دلیل نافرمانی کرده و تعارض به وجود می آید. در دوران نوجوانی وظایف والدین سنگین تر می شود؛ زیرا در این ایام نوجوان از والدین فاصله می گیرد و اوقات خود را بیشتر با دوستان و همسالان می گذراند یا در تنهایی سپری می کند و اگر پدر و مادر حتی در کارهای کوچک او دخالت کنند، واکنش نشان می دهد، زیرا آن را تهدید بزرگی علیه خود به حساب می آورند و به طور کلی از لحاظ احساسی از خانواده جدا می شود.

والدین باید بدانند تغییر و تحول گسترده در شئون زندگی اجتناب ناپذیر است و تجدد خواهی امری مذموم و ناپسند شمرده نمی شود؛ نوجوانان نیز باید بدانند تغییر و تجددگرایی به هر قیمت و به هر شکلی پسندیده نیست.

نبود سیستمی برای جذب تغییرات و بومی کردن آن، نابرابری دسترسی به اطلاعات، انجماد فکری درباره لزوم پذیرش تحول و بدبین بودن در خصوص مظاهر دنیای جدید، تغییرات گسترده و عمیق را به عامل اصلی شکاف میان نسل‌ها تبدیل خواهد کرد. پیشرفت‌ها و ابداعات جدید از هر سو زندگی بشر را در بر می‌گیرند و نسل‌های جدید به فراخور علاقه و اقتضای سنی، سریع‌تر از آن آگاه می‌شوند و دنیای فکری خویش را براساس آن پایه‌ریزی می‌کنند. آنها در دسترسی به اطلاعات تغییر و شناخت و یادگیری آن در جامعه نقش پیشرو را بازی می‌کنند و والدین و بزرگترها غالباً از غافله جا می‌مانند. ناگفته پیداست این مظاهر نوین زندگی، دنیای جدیدی برای نسل‌های نو می‌سازد که بزرگترها با آن بیگانه‌اند و حتی کار به جایی می‌رسد که شنیدن جملاتی نظیر «دوره و زمانه عوض شده» و «جوان‌های امروزی در دنیای خودشان سیر می‌کنند» این روزها عادی و تکراری شده است.

بعضی از والدین تلاش می‌کنند با الگو قرار دادن خویش از فرزندشان انسانی شبیه خود بسازند. آن هم با معیارها و باورهایی که در سن و سال خودشان قبول می‌کنند و می‌پذیرند و ممکن است برای فرزند نامفهوم باشد. اقتضات سنی معمولاً نادیده گرفته می‌شود و والدین حتی خطاهای خویش را در دوران نوجوانی و جوانی تجربه‌های شخصی می‌پندارند و تجربه آنها را برای فرزندان قبیح تصویر می‌کنند. ضعف‌ها و کارکرد نادرست نهاد خانواده نیز از دلایل دیگر فاصله گرفتن فرزندان از والدین و یا زن و مرد است. نقش این نهاد در جلوگیری از فاصله نسل‌ها بر کسی پوشیده نیست، اما به دلیل نارسایی‌های مختلف که از جنبه‌های رفتاری و روان‌شناسی قابل بررسی است، برخی خانواده‌ها نه تنها در این زمینه به یاری نسل‌های جدا افتاده نمی‌شتابند، بلکه به عمیق‌تر شدن فاصله‌ها نیز دامن می‌زنند. اعطای آزادی‌های بی‌حد و حصر به فرزندان، اعتماد کامل به جامعه برای اجتماعی شدن نسل‌های نوپا، دور کردن فرزند از محیط خانواده به بهانه مشغله کاری والدین، مشکلاتی هستند که در این حوزه مطرح می‌شود و ریشه آن را باید در رفتار و مسئولیت‌شناسی اعضای خانواده و بویژه والدین جستجو کرد.

علاوه بر آن، کم‌رنگ بودن پیوندهای عاطفی و ارتباطات کلامی در خانواده موجب می‌شود فاصله میان نسل‌ها تا رسیدن به مرحله بحران و آشکاری تضادهای اساسی پنهان بماند و فرصت‌های مغتنم و ارزشمندی که این نهاد برای همگرایی خانواده در اختیار دارد ناکارآمد و بی‌تأثیر شود.

تبلیغات جهان مدرن با تبلیغات پیوند خورده است. انتفاع اقتصادی از راه‌های مختلفی نظیر ترویج مد و تبلیغ مصرف‌گرایی، زیاده‌خواهی و راحت‌طلبی بر مناسبات اجتماعی تأثیر می‌گذارد و توقعات جدید و بی‌سابقه می‌آفریند. نسل نوپا نیز به فراخور سن و روحیه کمال‌گرایی خود به مطالبه این توقعات جدید می‌پردازد و برآورده نشدن انتظارات موجب نارضایتی آنها می‌شود. ناگفته پیداست نارضایتی به تدریج به افزایش فاصله‌ها و حتی خصومت منجر می‌شود و میان نسل‌ها، تضادهای نامعقول رفتاری به وجود می‌آورد.

عدم پذیرش تفاوت دیدگاه‌ها نیز از دلایل دیگر فاصله گرفتن اعضای خانواده از همدیگر است. هنگامی که فرد یا نسلی تنها دیدگاه ویژه‌ای را که مورد تأیید او و همقطارانش است بپسندد و از پذیرش یا شنیدن نظر مخالف سر باز زند، زمینه‌های جدایی میان افراد فراهم می‌آید. این را هم باید از نارسایی‌های فرهنگی جامعه دانست.

اعمال محدودیت‌های نابجا والدین، اغلب فرزندان را در معرض خطر قرار می‌دهد. اعمال محدودیت‌های زیاد در نحوه لباس پوشیدن و مدگرایی در حد معقول، تفاوت‌های فکری و شئون رابطه میان نسل‌ها را به صورت منفی تجلی می‌دهد و راه زندگی آنان را از یکدیگر جدا می‌کند. تجربه سال‌های اخیر نیز گواهی می‌دهد محدودیت و محرومیت آنجا که نابجا یا بیش از اندازه باشد، نتیجه کاملاً معکوسی در پی دارد و مخفی‌کاری و تضعیف رابطه صادقانه را موجب می‌شود.

مسئله اینجاست که اگر فرد با اطلاعات اشتباه از محیط مواجه شود از طریق تحریف‌های شناختی به اطلاعاتی اهمیت می‌دهد و آنها را بزرگ می‌کند که با طرحواره‌های معیوب همخوانی دارد و اطلاعاتی که با طرحواره‌های منافات دارند را نادیده و یا کم ارزش می‌شمارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت به همین دلیل است که گاه جوانان امروزی با معیارهایی از زیبایی روبرو می‌شوند که درک نادرستی از آن دارند و از طریق تحریف شناختی در ذهن خود آن را به طرحواره‌ای از زیبایی تبدیل می‌کنند. راهبردهای شناختی، آگاهی عقلانی فرد را افزایش می‌دهند و او را به این نتیجه می‌رسانند که طرحواره یا غلط است یا این که سخت اغراق‌آمیز است.

چیزی که باعث تقویت این طرحواره‌ها می‌شود مشاهده، تشویق و ترغیب بیرونی است. از مسائل قابل توجه در این رابطه، دخالت بزرگسالان، معلم، والدین، مربیان، دوستان و رسانه‌های جمعی برای پرورش و تقویت درک زیبایی شناختی در کودکان و نوجوانان است که این مسئله بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

بسیاری از والدین مخصوصاً آنهایی که فاصله سنی بیشتری با فرزندان خود دارند، معیارهای زیبایی را که مدنظر فرزندان آنان می‌باشد را نمی‌پسندند و بالعکس. البته گاهی علاوه بر تعارضات بین والدین و فرزندان این تعارضات بین زن و مرد نیز دیده می‌شود. مردان و زنان

هریک طرحواره‌های زیبایی مخصوص به جنسیت خود را شکل می‌دهند و معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند که با معیارهای جنس مخالف بسیار متفاوت است. در نتیجه همین تفاوت بین طرحواره‌های دو جنس از زیبایی نیز گاهی باعث بروز عدم تفاهم بین آنها می‌شود. تحلیل نتایج این تعارضات و رفتارها از دیدگاه علم روانشناسی نشان دهنده نوعی از تعلق گروهی، نوجویی، تنوع طلبی و گرایش جوانان به «امروزی شدن» است و کاملاً یک پدیده طبیعی و تا حدودی نابهنجار در جهت ارضای نیاز به زیبایی و مورد توجه قرار گرفتن محسوب می‌شوند.

وقتی که میانسالان و افراد مسن به یک جوان به خاطر پوشیدن لباس‌های غیرمعمول و سر و شکل نامتعارف و ناشایست اعتراض می‌کنند، جوانان عمل خود را با مد روز بودن توجیه می‌کنند. در نتیجه هر قدر طرحواره‌های موجود در نسل جوان و افراد مسن تر اختلاف بیشتری با هم داشته باشند به همان اندازه تعارض و اختلاف بیشتری بین آنان به وجود می‌آید و این خود باعث شکاف نسلی بیشتری در آنان شده و مسأله‌ساز می‌شود. بنابراین پیامدهای منفی این نوع طرحواره‌های زیبایی زودگذر اختلافات شدید بین والدین و فرزندان، شکاف نسلی، از خودبیگانگی فرهنگی و مدگرایی افراطی می‌باشد.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهمترین علت تغییر طرحواره‌های مد و زیبایی نسل جوان امروز گسترش شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای است که بیشترین تأثیر آنها بر نسل متولدان دهه 80 به بعد است که از زمانی که پا بر عرصه هستی نهاده‌اند دنیا را به صورت رایانه‌ای دیده‌اند و به همین جهت است که این گروه را نسل شبکه‌ای نامگذاری کرده‌اند. این نسل اقتصاد، دین، فرهنگ، جامعه و همچنین تاریخ را بر صفحه نمایشگر دیده‌اند. پس ضروری است نگاه ما به این نسل نگاه جدی و حساسی باشد.

به تمامی مسئولین امر در حوزه مسائل روان شناختی و نیز دست اندرکاران مربوطه در امور فرهنگی پیشنهاد می‌شود که با برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های علمی و تشکیل سمینارهایی در خصوص طرحواره‌های مد و زیبایی‌شناختی برای عموم مردم میزان درک و آگاهی افشار مختلف جامعه و به خصوص نوجوانان و جوانان را نسبت به مسائل مد و زیباشناختی افزایش دهند تا مبادا چنین امری منجر به انحراف آنان از هدف و رسالت زندگی شود که این امر می‌تواند صدمات جبران ناپذیری به پیکره جامعه و خانواده وارد کند.

پیشنهاد می‌شود که با اجرای کلاس‌های آموزشی پیش از ازدواج برای زوجین و بیان تفاوت‌های موجود در بین مردان و زنان از حیث مسائل مد و زیبایی شناختی، از تعارضات زناشویی در این امر جلوگیری نمایند تا سطح کیفی زندگی زناشویی ارتقاء یابد و برای ارتقای سطح کیفی زندگی خود توجه بیشتری به مسائل مد و زیباشناختی نموده و همواره احساس جوانی و نشاط را در وجود خویش شکوفا سازند تا بتوانند زندگی پربارتر و با کیفیت تری از هر لحاظ داشته باشند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که والدین با دوری از سرزنش فرزندان خود در زمینه طرحواره‌های مد و زیبایی‌شناختی و درک نمودنشان به جهت اقتصادی سنی آنها، سعی نمایند که علاوه بر الگوسازی سالم و اجتناب از اجبار و روز در این خصوص، نیاز آنان به افزایش اعتماد به نفس و جایگاه اجتماعی را از طروق مختلفی مانند ارتباط موثر با سازنده با آنها در محیط‌های اجتماعی و ترغیب نمودن آنها به فعالیت‌های سازنده مانند ورزش و تفریحات سالم، افزایش دهند. والدین باید تفاوت بین دیدگاه و نظراتشان در خصوص مسائل مد و زیبایی-شناختی را با فرزندان نشان پذیرفته و به جای مقابله با چنین اختلاف سلیقه‌ای که برگرفته از تفاوت نسل می‌باشد، سعی نمایند که تا حدود زیادی خود را با فرزندان نشان همسو نموده و به جای سرزنش‌های بیهوده، انتخاب صحیح را به عهده دختران خود گذاشته و با ایجاد اعتمادسازی نسبت به دختران خود از حیث آن که توانایی تشخیص درست از غلط را دارند، مسئولیت‌پذیری آنان را در این زمینه افزایش دهند. جامعه نیز سعی نماید زمینه ساز فرهنگی مناسبی برای نوجوانان و جوانان در حیطه زیبایی و مد گردد.

تشکر و قدردانی:

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای تخصصی در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران استخراج شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از کارکنان این دانشگاه و مسئولان پژوهشی دانشکده علوم انسانی و هیئت داوران پایان‌نامه که ما را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

## Referenses

- Ahmadi F. Nasrollahi B. (2018). Schedule predictions of stubborn criteria / extreme fault based on parents' irrational beliefs and parent-child communication patterns. *Journal of Applied Psychology*; 12 (4): 596-616. [\[Link\]](#)
- Askari Khaneghah A. Mehrbod T. (2015). Anthropological study of the concept of facial beauty, a case study of 20-30 year olds in Tehran's 15th district. *Iranian Anthropological Research*; 3(1): 125-109. [\[Link\]](#)
- Azadegan R. (2017). Investigating the relationship between early maladaptive schemas and body image with a focus on cosmetic surgery, Master's thesis, Department of Psychology, University of Tehran. [\[Link\]](#)
- Canetti L, Bachar E, Galili, Weisstub E, De Noor AK, Shelve AY. (2019). Parental bonding and mental health in adolescence. *Journal of Adolescence*; 32(126): 381-94. [\[Link\]](#)
- Daei S. (2013). How to help children's sense of aesthetics? *Journal of Psychology*, 15. [\[Link\]](#)
- Daniel K, Jason C, Tiliopoulos N, Silvia PJ. (2018). Aesthetic Emotions and Aesthetic People: Openness Predicts Sensitivity to Novelty in the Experiences of Interest and Pleasure. *Front. Psychol*; 6(10): 33-59. [\[Link\]](#)
- Dibachi S M A, Rajabi H S. (2017). The relationship between aesthetic experience and religious experience according to Alfred Martin and Schleiermacher. *Research in Science and Religion*, 8(2): 45-65. [\[Link\]](#)
- Fayn K, McCann C, Tiliopoulos N, Silvia PJ. (2018). Aesthetic Emotions and Aesthetic People: Openness Predicts Sensitivity to Novelty in the Experiences of Interest and Pleasure. *Front. Psychol*. 6:1877. doi: 10.3389/fpsyg.2018.01877. [\[Link\]](#)
- Giddens A. (2005), *Modernity and Personalization: Society and Personal Identity in the New Age*, translated by Nasser Mofaghian, (2020), Tehran, *Ney Publishing*. [\[Link\]](#)
- Kabiri A, Manouchehri A, Babazadeh R. (2020). Sociological Analysis of Types of Fashionism among Citizens of West Azerbaijan Province, *Iranian Journal of Social Studies and Research*; 7(4): 789-763. [\[Link\]](#)
- Khorasani Zadeh A, Poursharifi H, Ranjbaripour T. (2020). Structural model of the relationship between parent-child relationship patterns and early maladaptive schemas mediated by attachment styles, *Journal of Applied Psychology*; 13(1): 76-57. [\[Link\]](#)
- Larissa V, Jaremko D, Maurer X. (2016), The influence of averageness on judgments of facial attractiveness: No own-age or own-sex advantage among children attending single-sex schools, *Journal of Experimental Child Psychology*, 120(3): 1-16. [\[Link\]](#)
- Linda van Loon, Monique O M Van De Ven. (2018). The Relation Between Parental Mental Illness and Adolescent Mental Health: The Role of Family Factors. 10.1007/s10826-013-9781-7. [\[Link\]](#)
- Naseri M. (2013), A study of girls' interest in beauty and fashion, *Salamat magazine*. [\[Link\]](#)
- Niknam M, Khodi Zahra. (2020). Investigating the relationship between body image and self-concept with happiness in women applying for cosmetic surgery in Tehran. *Journal of Medical Sciences, Shahid Sadoughi University of Yazd*; 27(1): 45-64. [\[Link\]](#)
- Qadian Anar Marzi F. (2020). The effect of social network on youth fashionism (a case study of 15-30 year olds in Sari). 4th International Conference on Media Management. [\[Link\]](#)
- Rajaei, Hamid, (2014), *Beauty and Aesthetics, Comprehensive Protocol of Humanities, Religious Art*, 10. [\[Link\]](#)
- Rashid Kh, Mehr Mohammadi M, Delavar A, Qatrifi M. (2011). Investigating the stages of evolution of aesthetics in students of Tehran, *Quarterly Journal of Educational Innovation*, Fall, 7(27): 97-123. [\[Link\]](#)
- Sadeghian S, Vaghei M, Nazem b. (2010). Investigation of changes in facial beauty ratios after rhinoplasty, *Journal of Isfahan School of Dentistry*; 6(5): 78-99. (Oral Health Promotion Special Issue). [\[Link\]](#)
- Sarukhani B. (2020). *Sociology of Communication*, Tehran: Information Publications. [\[Link\]](#)

- Shakermi F, Mirzamani S M, Azadiakta M. (2020). The effectiveness of schema therapy on frustration, intolerance and depression in women with physical illnesses. Family conference, autism disorder and accompanying challenges. [\[Link\]](#)
- Suojanen, M. (2016), Aesthetic experience of beautiful and ugly persons: a critique, *Journal of Aesthetics & Culture*, 8(1): 11-24. [\[Link\]](#)
- Vlierberghe LV, Braet C, Bosmans G, Rossee Y, Bogels S. (2010). Maladaptive schemas and psychopathology: On the utility of Young's schema theory in youth. *Cong Their Res* 2010; 34: 316-32. [\[Link\]](#)
- Wang A, Hongyi C, Hahn C I, Fisher L M. (2015). General sexual desire, but not desire for uncommitted sexual relationships, tracks changes in women's hormonal status. *Psych neuroendocrinology*; 50(12): 246-251 . [\[Link\]](#)
- Young, J. E. (1999). Cognitive therapy for personality disorders: A schema- focused approach. *Sarasota professional resources exchange*. Inc. [\[Link\]](#)
- Young J E, Klosko J S, Weishaar M E. (2003). Schema therapy: A practitioner's guide. New York: Guilford, Vlierberghe, L.V. [\[Link\]](#)
- Young J E, Klosko J S. (1994). Reinventing your life. New York: Plume Books. *Clinical Psychology and Psychotherapy*; 10(2): 332-459. [\[Link\]](#)
- Zabeti A S, Jafari S. (2018). Structural model of parenting styles, narcissism of early maladaptive schemas and adolescents, *Journal of Applied Psychology*; 12(2): 302-285. [\[Link\]](#)

